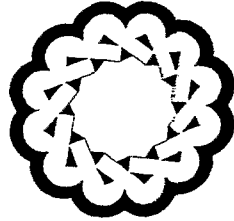


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ولی عصر

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

نقد و بررسی نقدهای انجام گرفته بر داستان بوف کور

استاد راهنما:

دکتر محسن پورمختار

استاد مشاور:

دکتر عنایت‌الله شریف‌پور

دانشجو:

علی طالبی جویباری

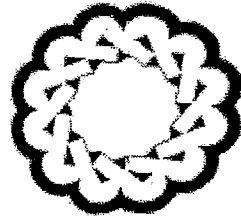
۱۳۸۹/۳/ ۵

تذکره اطلاعات بزرگ محلی بزرگ
شهرستان رکن

مهر ۱۳۸۸

۱۳۶۷۴۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری ها ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان است.



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

با عنوان:

«نقد و بررسی نقدهای انجام گرفته بر داستان بوف کور»

دانشجو:

علی طالبی جویباری

در تاریخ ۸۸/۷/۲۸ توسط هیأت داوران زیر بررسی شد و با درجه‌ی عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱- استاد راهنمای پایان نامه آقای دکتر محسن پورمختار با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه آقای دکتر عنایت‌الله شریف‌پور با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه آقای دکتر مختار کمیلی با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج گروه آقای دکتر محمود الهام بخش با مرتبه‌ی علمی دانشیار

امضاء

۵- نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی آقای دکتر اصغر رحیمی با مرتبه‌ی علمی استادیار

سپاس‌گزاری:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (!؟)

از جناب استاد دکتر پیورمختار و همچنین استاد دکتر شریف‌پور که بزرگواری‌های بی‌شمارشان، بنده را در راستای به اتمام رساندن این پایان‌نامه یاری رسان بوده، کمال تشکر و قدردانی را دارم. در ضمن از استاد گرانمایه، آقای دکتر حمید جعفری که همیشه، دست پدران‌اش را بر سر ما کشیده و از حمایت‌ها و تسلی‌ها و رأفت‌شان ما را بهرمنند نموده‌اند هر چند که زبان از بیان بزرگواری ایشان قاصر خواهد بود ولی با این حال، همیشه سپاس‌گذار ایشان خواهیم ماند. در پایان بر خود لازم می‌دانم که از زحمات خانواده‌ام، برادران و خواهر گرامی‌ام و دوستان عزیز خوابگاهی - که در انجام تایپ این پایان‌نامه مرا یاری نموده‌اند، به خصوص جناب آقای ابراهیم سروسستانی و آقای قاسم چوپان زاده که هرگاه به مشکلی بر می‌خوردم، دوستانه برای رفع آن گام لطف و مهربانی برمی‌داشتند، صمیمانه تشکر نمایم - و کمال، سپاس‌گزاری و قدردانی را از آنان داشته باشم.

تقدیم به دست‌های پینه‌بسته‌ای که پیوسته بار زندگی را به دوش کشیده‌اند
و نگاه‌هایی نگران،
که همیشه در اندیشه‌ی برون آوردن فرزندان خویش از آب و گل بوده‌اند.

چکیده:

داستان بوف کور اثری از صادق هدایت است که در سال هزار و سیصد و پانزده برای نخستین بار، به صورت پلی کپی در بمبئی به چاپ رسیده است. این اثر از دو پاره‌ی مجزاً تشکیل شده است که با تکمله‌ای به هم پیوسته‌اند. هر یک از این بخش‌ها را می‌توان به صورت مجزاً خواند، بی‌آنکه مخاطبان آن به خاطر حذف این مطالب دچار گسستی در درک داستان شوند. بسیاری از منتقدین، این اثر را از میان همه آثار هدایت برجسته‌تر می‌دانند. روی هم رفته این داستان بحث‌های زیادی را در میان منتقدین برانگیخته است و هر کدام نظرات متفاوتی را در شرح و بررسی آن مطرح نموده‌اند. با تمامی این اختلافات، بسیاری از محققان، این داستان را داستانی سوررئالیستی برمی‌شمارند. داستان‌های سوررئالیستی آثاری هستند که در آن‌ها ذهن هنرمند هنگام خلق اثر هنری، از قید منطق و استدلال و اراده آزاد می‌باشد.

این بررسی به نقد چند کتاب که به ارزیابی بوف کور پرداخته‌اند، می‌پردازد و مطالب این نقدها را که گاه در تناقض با هم قرار می‌گیرند، را ارزیابی می‌نماید. این کتاب‌ها که بر اساس سال انتشار آن‌ها مورد بررسی واقع شده‌اند شامل «داستان یک روح» اثری از دکتر سیروس شمیسا «درباره‌ی بوف کور هدایت» نوشته‌ی دکتر محمد علی همایون کاتوزیان «زندگی، عشق و مرگ از دیدگاه صادق هدایت» به قلم شاپور جورکش و در پایان، کتاب «تاویل بوف کور» بر ساخته‌ی محمد تقی غیائی، می‌باشند. در ابتدا روش کار، بر این بوده است که هر اثر را به مخاطب معرفی نموده و سپس نقد و بررسی آن را به مخاطب عرضه می‌نماید و سعی بر آن داشته که محاسن و نواقص هر اثر را روشن نماید؛ تا مخاطبان ما، بتوانند درک بهتری نسبت به این آثار داشته‌باشند. فصل هفتم این پایان نامه، به بررسی بعضی از سمبل‌های این داستان اختصاص یافته است. سمبل‌های «بوف کور» را می‌توان به دو راستای سمبل‌های حیوانی و اشیای نمادین تقسیم‌بندی نمود. ما در این بخش کوشیده‌ایم که نشانه‌های اسطوره‌ها و فرهنگ‌ها را در سمبل‌های این داستان پی‌گیری نموده و نشان دهیم که هر یک از این سمبل‌ها، می‌توانند همچون دلالت عنوان کتاب بوف کور، معانی متضاد و متفاوتی را با خود حمل نمایند.

کلید واژه‌ها: صادق هدایت، بوف کور، ادبیات معاصر، داستان نویسی، سمبل

شماره‌ی صفحه

۱-۳

۱

۲

۲

۲

۳

۳

۴-۵۴

۵

۷

۱۱

۱۶

۱۷

۲۰

۲۴

۴۸

۴۹

۴۹

۵۰

۵۵-۱۰۲

۵۶

۵۷

۵۷

۵۸

۵۸

فهرست مطالب

فصل اول: مبادی تحقیق

۱-۱) بیان مسأله‌ی تحقیق

۲-۱) ضرورت تحقیق

۳-۱) اهداف تحقیق

۴-۱) پیشینه‌ی تحقیق

۵-۱) فرضیه‌های تحقیق

۶-۱) روش تحقیق

فصل دوّم: پیش درآمد

۲-۱) داستان چیست؟

۲-۲) داستان کوتاه چیست؟

۲-۳) زندگی‌نامه‌ی هدایت

۲-۳-۱) شرح حال صادق هدایت به زبان خودش

۲-۴) سال شمار زندگی صادق هدایت

۲-۵) تحلیل‌های مهم بوف کور

۲-۶) مقاله‌ها

۲-۷) پایان‌نامه‌ها

۲-۸) خلاصه‌ای از اثر

۲-۸-۱) قصه‌ی راوی و فرشته

۲-۸-۲) قصه‌ی راوی و لکاته

فصل سوّم: داستان یک روح

۳-۱) معرفی اثر

۳-۱-۱) پیش‌گفتار

۳-۱-۲) داستان یک روح

۳-۱-۳) بخش اول بوف کور

۳-۱-۴) بخش دوّم بوف کور

۵۸	۳-۱-۵ لغتنامه
۵۹	۳-۱-۶ کتابنامه
۵۹	۳-۱-۷ فهرست راهنما
۵۹	۳-۲ تناقضات
۶۰	۳-۲-۱ زمان
۶۳	۳-۲-۲ مقدم بودن بخش دوم
۶۴	۳-۲-۳ مقدم بودن بخش اول
۶۹	۳-۲-۴ موارد تقدم بخش دوم بر بخش اول
۶۹	۳-۲-۵ موارد تقدم بخش اول بر بخش دوم
۷۳	۳-۲-۶ دليل نوشتن
۷۵	۳-۲-۷ معنی ازدواج جادویی و نشانه‌های آن
۷۵	۳-۲-۸ تعدد ازدواج جادویی
۷۷	۳-۲-۹ ازدواج جادویی در یوف کور
۷۹	۳-۲-۱۰ نشانه‌های موفقیت ازدواج جادویی
۸۰	۳-۲-۱۱ شکست ازدواج جادویی
۸۷	۳-۲-۱۲ تناقض در معرفی سایه
۹۲	۳-۴ کاستی‌ها
۹۵	۳-۵ محاسن اثر
۹۶	۳-۶ نادیده گرفتن سمبل‌های حیوانی
۹۷	۳-۶-۱ اسب
۹۸	۳-۶-۲ بوتیمار
۹۸	۳-۶-۳ سگ
۹۹	۳-۶-۴ جغد:
۹۹	۳-۶-۵ گاو
۱۰۰	۳-۶-۶ گربه
۱۰۰	۳-۶-۷ گوسفند
۱۰۱	۳-۶-۸ عنکبوت

۱۰۱	مار و اژدها (۳-۶-۹)
۱۰۲	مگس (۳-۶-۱۰)
۱۰۳-۱۰۷	فصل چهارم: دربارهی بوف کور
۱۰۴	(۴-۱) معرفی اثر
۱۰۴	(۴-۱) داستان بوف کور
۱۰۵	(۴-۲) پیرمرد، زن و دیگران
۱۰۶	(۴-۳) راوی
۱۰۸	(۴-۴) زمان و مکان، و دنیای راوی
۱۰۹	(۴-۵) تحلیلی از بوف کور
۱۱۱	(۴-۶) مأخذهای خارجی بوف کور
۱۱۴	(۴-۷) مأخذهای داخلی بوف کور
۱۱۶	(۴-۸) زبان و ادبیات در بوف کور
۱۱۷	(۴-۹) راوی و نویسنده
۱۱۹	(۴-۹) محاسن
۱۲۰	(۴-۱۰) تناقضات
۱۲۱	(۴-۱۱) کاستی‌ها
۱۲۳-۱۷۳	فصل پنجم: زندگی، عشق و مرگ از دیدگاه صادق هدایت
۱۲۴	(۵-۱) معرفی اثر
۱۲۵	(۵-۲) بخش اول
۱۲۶	(۵-۲-۱) هدایت اخته
۱۲۷	(۵-۲-۲) هدایت اسکیزوبیید
۱۲۷	(۵-۲-۳) هدایت مالیخولیایی
۱۲۷	(۵-۲-۴) هدایت بیگانه
۱۲۸	(۵-۲-۵) هنر آفرین قاتل
۱۲۹	(۵-۲-۶) نروال ایران
۱۳۰	(۵-۲-۷) بوف کور بیانیه‌ی نومیدی هدایت

۱۳۰	۵-۲-۸) آرمان‌گرایی کینه‌توز
۱۳۲	۵-۳) بخش دوم
۱۳۳	۵-۳-۱) زن از دیدگاه هدایت
۱۳۴	۵-۳-۲) ظاهر عکس باطن
۱۳۴	۵-۳-۳) کیمیاگر وارونه‌کار
۱۳۵	۵-۳-۴) شکست آینه‌دار
۱۳۵	۵-۳-۵) ابرمرد افیونی
۱۳۶	۵-۱-۶) چرخه‌ی مرگ
۱۳۶	۵-۱-۷) کوکوی مهر
۱۳۷	۵-۳-۸) جام لطیف
۱۳۷	۵-۳-۹) کفران عشق
۱۳۸	۵-۳-۱۰) بر او نمرده به فتوای من نماز کنید
۱۳۸	۵-۳-۱۱) با هفت هزار سالگان
۱۳۸	۵-۳-۱۲) عشقبازان چنین
۱۳۹	۵-۴) بخش سوم
۱۳۹	۵-۴-۱) مضمون بوف کور
۱۴۰	۵-۴-۲) بار امانت
۱۴۱	۵-۴-۳) سلطه جویی
۱۴۳	۵-۴-۴) شیء انگاری
۱۴۴	۵-۴-۵) تکرار مضمون بوف کور
۱۴۵	۵-۴-۶) تکنیک بوف کور
۱۴۵	۵-۴-۷) دراماتیک مونولوگ
۱۴۶	۵-۴-۸) عناصر دراماتیک مونولوگ در بوف کور
۱۴۷	۵-۴-۹) دلالت عنوان بوف کور
۱۴۸	۵-۴-۱۰) تحلیل بوف کور بر اساس ضوابط دراماتیک مونولوگ
۱۵۲	۵-۴-۱۱) گناه و کیفر در آثار هدایت
۱۵۲	۵-۴-۱۲) راوی بوف کور در آینه

۱۵۳	۱۳-۴-۵) دیدگاه هدایت و ادبیات جهان
۱۵۶	۱۴-۴-۵) اشتراک مضمون و عقیده
۱۵۷	۵-۵) تناقضات
۱۶۸	۶-۵) محاسن اثر
۱۶۹	۷-۵) کاستی‌ها
۱۷۴-۲۲۳	فصل ششم: تأویل بوف کور
۱۷۵	۱-۶) معرفی اثر
۱۷۶	۱-۱-۶) درآمد
۱۸۵	۲-۱-۶) مسیر تأویل
۱۸۵	۳-۱-۶) تأویل شبکه‌های متداعی ۱
۱۸۵	۱-۳-۱-۶) نیلوفر کبود
۱۸۶	۲-۳-۱-۶) راغا شهری آشنا
۱۸۶	۳-۱-۳-۶) فرشته‌ی ترکمن
۱۸۷	۴-۱-۳-۶) گلدان راغه
۱۸۷	۵-۱-۳-۶) بوگام داسی
۱۸۸	۶-۱-۳-۶) راز روزنه
۱۸۹	۷-۱-۳-۶) همدست پیروک
۱۸۹	۴-۱-۶) تأویل شبکه‌های متداعی ۲
۱۸۹	۱-۴-۱-۶) پیش از تو
۱۸۹	۲-۴-۱-۶) دنیای جدید
۱۹۱	۳-۴-۱-۶) دنیای دریچه
۱۹۳	۴-۴-۱-۶) گیرو دار مشروطه
۱۹۷	۵-۴-۱-۶) عصر رجاله‌ها
۲۰۱	۶-۴-۱-۶) بازسازی
۲۰۱	۵-۱-۶) دنیای بوف کور
۲۰۱	۱-۵-۱-۶) بوف کور هدایت و هدایت بوف کور

۲۰۲	۶-۱-۵-۲) دنیای ختیمی
۲۰۳	۶-۱-۵-۳) عقاید بودایی
۲۰۳	۶-۱-۵-۴) هدایت آگزیستانسیالیست
۲۰۴	۶-۱-۵-۵) ارزش سبکی بوف کور
۲۰۴	۶-۱-۶) محاسن
۲۰۷	۶-۱-۷) تناقضات
۲۱۸	۶-۱-۸) کاستی‌ها
۲۲۰	۶-۱-۹) دلالت‌هایی تازه در تأیید ارتباط بوف کور و مشروطه
۲۲۴-۲۵۹	فصل هفتم: سمبل‌ها
۲۲۵	۷-۱) سمبل‌ها
۲۲۸	۷-۲) سمبل‌های حیوانی
۲۲۸	۷-۲-۱) خروس
۲۳۰	۷-۲-۱) جغد
۲۳۱	۷-۲-۳) مار
۲۴۳	۷-۲) دیگر سمبل‌ها
۲۴۳	۷-۲-۱) آینه
۲۴۵	۷-۲-۲) سیزده بدر
۲۴۷	۷-۲-۳) رنگ زرد
۲۴۹	۷-۲-۴) درخت سرو
۲۵۱	۷-۲-۵) دیوگریزی
۲۵۵	۷-۳) ارتباط بوف کور با عرفان
۲۵۶	۷-۴) اساطیرهند
۲۵۸	۷-۵) انگیزه‌ی نوشتن
۲۶۰-۲۶۲	فصل هشتم: نتیجه‌گیری
۲۶۳-۲۶۴	فهرست منابع

فصل اوّل

مبادی تحقیق

۱-۱- بیان مسأله‌ی تحقیق

از آنجا که بوف کور صادق هدایت، به عنوان یکی از مهمترین آثار ادبی معاصر ایران محسوب است، چنانکه آوازه آن از همان اوان پیدایش، به خارج از مرزهای ایران رسیده و مورد نقد و تحلیل‌های فراوانی واقع شده یک نگاه کلی و منتقدانه به مهمترین کتاب‌هایی که در نقد و تحلیل این اثر نوشته شده است؛ می‌تواند میزان و روند نگاه نقادانه به بوف کور را، مشخص کند. در این پژوهش با معرفی‌ایی که از هر اثر به عمل می‌آید، مخاطبان با کتاب‌های مهمی که در نقد بوف کور نوشته شده، آشنایی کلی پیدا کرده و محتویات آن را ارزشیابی خواهند کرد، در این راستا با کاستی‌ها، تناقضات و در عین حال با محاسن، نوآوری‌ها و سایر جنبه‌های آثار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده، آشنا می‌شوند. برای درک درست از بوف کور نیازمند آنیم که به تمامی آثاری که درباره‌ی هدایت و آثار او پدید آمده توجهی داشته باشیم. که متأسفانه در این مقال مجال دسترسی به آن‌ها میسر نشده است.

(۲-۱) ضرورت تحقیق:

در نگاه نخستین موضوع پژوهش مذکور بررسی آثاری است که به نقد و بررسی بوف کور پرداخته‌اند تا محققان و مخاطبان این نقدها به نگرش‌هایی که منتقدان نسبت به این اثر داشته‌اند آگاه‌شوند.

(۳-۱) اهداف تحقیق:

نقد و بررسی یک اثر سبب گشودن دریچه‌ای تازه به روی مخاطبانی است که نمی‌توانند به صورت تخصصی با یک اثر مواجه‌شده و ناچار از درک زیبایی‌های آن محروم می‌مانند. اما نقد این نقدها مقوله‌ای جدا و از محاسن آن است، که می‌تواند مخاطبان علاقه‌مند به این نقدها را از مشکلات و نقایصی که در اثر وجود داشته آگاه نموده و یا امتیازات اثر را برای خواننده‌ی ناآشنا با این نقدها برشمرده و این آثار به همراه محاسن آن‌ها را، به او معرفی نماید. و برای آن‌ها مشخص نماید که هر نویسنده‌ای از چه زاویه‌ای به این داستان نگریسته و در این داستان به دنبال چه بوده است و چه مقدار توانسته به مقصود هدایت نزدیک شده و درک درستی از اثر به مخاطبانش ارائه دهد. آگاهی مخاطب عام نسبت به مطالب روانشناسی و تاریخی - اجتماعی در حدی نیست که بتواند متوجه کاستی‌های نقدی شده و از این دریچه این پایان نامه می‌تواند کمکی برای این دوستان باشد. و با نشان دادن موارد افتراق سمبل‌ها و نمادها در جهت درک وجوه مختلف اثر آنان را یاری دهد.

(۴-۱) پیشینه‌ی تحقیق:

تا پیش از انجام این کار مطابق بررسی‌هایی که کرده بودیم به نظر می‌رسید که در زمینه‌ی پیشینه‌ی این پژوهش کار خاصی صورت نگرفته است؛ و به واقع نیز، اثری در این زمینه به وجود نیامده است که به بررسی کلی این اثر بپردازد. اما در طی این بررسی دیده‌ایم که آقای محمد رضا سرشار به صورت مستقیم، اما محدود به نقد بعضی از این آثار پرداخته‌اند و دکتر کاتوزیان نیز به صورتی ضمنی به آن پرداخته‌اند. این میان حتی آقای جورکش یک بهره از سه بخش کتابشان را به این زمینه اختصاص داده‌اند. هرچند ایشان از دیدگاه خاص خود که همان انتقاد از کسانی است که راوی بوف کور را خود هدایت، فرض کرده‌اند در این مباحث وارد می‌شوند و این ایراد بر کارشان وارد است که به بررسی همه‌جانبه‌ی اثر پرداخته‌اند.

۵-۱) فرضیه‌های تحقیق:

۱- گرایش غالب، در نقد آثار مورد بررسی، تحلیل روانشناسی و در مرتبه دوم، تحلیل اسطوره‌ای است.

۲- روش نقد در اغلب این آثار، یک دست و همه جا، مبتنی بر معیارهای مشخص نیست.

۳- تقریباً غالب مؤلفان آثار مورد نظر، زندگی و سایر آثار هدایت را، در نقد و تحلیل‌های خودکم و بیش در نظر داشته‌اند.

۶-۱) روش تحقیق:

شیوه‌ی کاری که در این پایان‌نامه در پیش گرفته‌ایم شیوه‌ی تحلیل محتوا بود. با شناخت کتاب‌های مورد نیاز و مراجعه به کتابخانه‌ها، کتب مورد نظر بررسی و مطالب آن‌ها استخراج گشته و سپس به تحلیل محتوای آنها پرداخته‌ایم. در جهت نیل به این هدف به چهار اثر که در نقد بوف کور نوشته شده‌اند توجه نموده‌ایم و در حد وسع خود، چندین اثر مرتبط با اسطوره‌ها و نمادها را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

مشکلات این پایان‌نامه ناشی از گستره‌ی تأویل‌پذیری و عدم نتیجه‌گیری از مسائل متن بوده که آدمی را در دریایی بی‌پایاب قرار داده و متحیر از این می‌نماید که چگونه می‌توان، میان این همه معانی متضاد و به عبارتی بهتر متناقض، ارتباطی برقرار کرد؟ بسیاری از این منتقدین موضوعی واحد را دیگر گونه بررسی نموده‌اند و راجع به آن نظری متفاوت داده‌اند. این مباحث در گوشه‌های خواطر، این خلجان را پدید می‌آورد که آیا به راستی بوف کور این همه معانی را در خود حمل می‌نماید یا آنکه این برداشت‌ها نتیجه‌ای از پندار و آیینته‌ای از اوهام ماست که هر کدام بر اساس برساخته‌های ذهنی خود به مثابه‌ی آزمون‌های رور شاخ به آن باورمند شده‌ایم؟ از این روی گویا به جای کوشش در درک اثر، بیشتر در صدد آن بوده‌ایم که گوشه‌ای از شخصیت وجودیمان را در بوف کور باز نمائیم تا آنکه روشنگر مسائل متن بوده باشیم.

از دیگر مشکلات، تلقیات دوگانه‌ای بوده است که در نحوه‌ی انجام پایان‌نامه وجود داشته است در این راستا دو دیدگاه مطرح بوده است. دیدگاهی بیشتر با تأکید بر یافتن شباهت‌ها و مصالح کارمی‌باشد تا به این طریق پی به زیر ساخت شخصیت و دانش هدایت برده باشیم و دیگر ارائه فهمی شخصی از اثر و معرفی و بررسی کامل نقدهای منتقدان بوده است که ناگزیر به آن تن در داده‌ایم

فصل دوّم
پیش درآمد

فصل دوّم

۱-۲) داستان چیست؟

برای تعریف داستان ابتدا باید تعریفی از ادبیات داستانی و محدوده‌ی آن داشت، زیرا داستان و انواع دیگر آن در قلمرو آن واقع شده است بنابراین « ادبیات داستانی بر آثار منثورى دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردار باشد، غالباً به قصه، داستان کوتاه، رمان و انواع وابسته به آنها ادبیات داستانی می‌گویند؛ بنابراین، این اصطلاح ادبی، نمایشنامه‌ی منظوم و حماسه و تراژدی و کمدی را در بر نمی‌گیرد». اصطلاح‌های مرسوم و متداول در ادبیات داستانی « اصطلاح‌هایی است نظیر: داستان، قصه، افسانه، حکایت، سمر(افسانه)، سرگذشت، ماجرا، مثل، مثل، اسطوره(اساطیر)، حدیث، انگاره، خرافه، حسب حال و ترجمه‌ی احوال که در اغلب فرهنگ‌های فارسی مترادف یکدیگر آورده شده است و فرهنگ نویسندگان و جوه افتراقی برای آن قائل نشده‌اند. در متن‌های ادبی و داستانی

گذشتگان نیز مفهوم این اصطلاح‌ها، به هم آمیخته است، به صورتی که مفاهیم آن‌ها را نمی‌توان از هم جدا و منفرد و مشخص کرد...» (ادبیات داستانی، ص ۲۱).

حال که قلمروی ادبیات داستانی را مشخص کرده‌ایم به سر مسأله‌ی خودمان برمی‌گردیم. «ای. ام. فورستر (رمان‌نویس و ادیب انگلیسی ۱۸۷۹ - ۱۹۷۰) داستان را چنین تعریف می‌کند: «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان- در مثل ناهار پس از چاشت و سه‌شنبه پس از دوشنبه و تباهی پس از مرگ می‌آید. به تعریفی دیگر، داستان توالی حوادث واقعی و تاریخی یا ساختگی است، بنابراین تسخیر عمل به وسیله‌ی تخیل را ارائه می‌دهد (همان، ص ۲۳).

داستان در معنای خاص آن، مترادف ادبیات داستانی است. ادبیات داستانی بر آثار منثوری دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردار باشد، غالباً به قصه، داستان کوتاه، رمان و رمانس و آثار وابسته به آن‌ها ادبیات داستانی می‌گویند و هر کدام از این انواع خود نیز متفرعاتی دارد که می‌توان آن‌ها را در نمودار زیر نشان داد:

اسطوره حکایت اخلاقی افسانه‌ی تمثیلی (فابل) افسانه‌ی پریان افسانه‌ی پهلوانان	۱. قصه	داستان = ادبیات داستانی
داستانک (داستان کوتاه کوتاه) داستان بلند	۲. داستان کوتاه	
رمان کوتاه ناولت	۳. رمان	
رمانس روستایی رمانس شهبواری رمانس عاشقانه	۴. رمانس	

(ادبیات داستانی، ص ۲۵ و ۲۴).

از خصوصیات یک قصه‌ی خوب نوشتن بی‌طرفانه مؤلف آن است زیرا «بی‌طرفانه نوشتن در بسیاری اوقات بر ذهن و تخیل خواننده بیشتر مؤثر واقع می‌شود. این از شگفتی‌های روح آدمی است که تأثیر غیر مستقیم را بیشتر می‌پذیرد تا تأثیری که مستقیماً بر او اعمال شود...» (ادبیات داستانی، ص ۳۳۳).

۲-۲) داستان کوتاه چیست؟

« داستان کوتاه ترجمه‌ای است از اصطلاح انگلیسی «شورت استوری» و مترادف و هم معنی با اصطلاح فرانسوی «نوول» ... داستان کوتاه هم از نظر شکل و ساختار و هم از نظر مضمون و موضوع اختلاف‌های اساسی بسیاری با قصه و نیز با رمان مترادف و هم معنای ناول اصطلاح انگلیسی آن دارد» (ادبیات داستانی، ص ۲۵۴).

ادگار آلن پو و گوگول دو نویسنده‌ای هستند که از آن‌ها به عنوان پدران داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن نام می‌برند. بعد از این دو آغازگر نوآور و مبتکر، داستان کوتاه نویسان دیگری آمدند و انواع داستان‌های کوتاه و داستان‌های بلند و رمان‌های کوتاه و ناولت امروزی را به وجود آوردند. (ادبیات داستانی، ص ۱۸۰).

«داستان کوتاه اغلب دارای پیرنگ و حقیقت‌مانندی است و حتماً باید به نحوی از خصوصیت‌های روانشناختی برخوردار باشد چون داستان کوتاه و رمان زاده‌ی روزگاری است که انسان هویت خود را باز شناخت، بنا براین، نمی‌تواند مثل انواع قصه‌ها بی‌توجه به خصوصیت‌های خلقی و روانی شخصیت‌ها و آدم‌ها باشد، البته این خصوصیت‌ها به صورت آشکار، در داستان‌های واقع‌گرا و به صورت پنهان، در داستان‌های خیال و وهم (Fantasy) می‌آید» (همان، ص ۲۵۵).

آقای میر صادقی چنین خصوصیتی را، برای داستان کوتاه ذکر می‌کنند در آن از «از واقعه صحبت می‌شود، بدین معنی که داستان‌های کوتاه معمولاً دارای یک واقعه‌ی مرکزی یا واقعه‌ی ضمنی است که حوادث و وقایع دیگر برای تکمیل و مستدل جلوه دادن آن واقعه آورده می‌شود» (همان، ص ۲۵۵).
و در صفحه‌ی سیصد و بیست و نه به نقل نظرات فرانک اوکانر (نویسنده آمریکایی ایرلندی تبار) که برای داستان کوتاه سه رکن قایل شده‌اند می‌پردازد. به عقیده‌ی ایشان داستان کوتاه شامل سه خصیصه‌ی زیراست:

«۱) شرح

«۲) گسترش

«۳) دراما یا نمایش داستان».

در قسمت گسترش موضوع که درونمایه‌ی داستان بسط می‌یابد «داستان رو به تکامل و نقطه‌ی اوج می‌رود. اما موضوع و درونمایه‌ی داستان در بخش نمایش داستان تحقق می‌یابد. در این قسمت باید از اظهار عقاید و صفاتی که توضیح زائد به شمار می‌روند و قدرت و تأثیر را از داستان باز می‌گیرد پرهیز